



۶- یادداشت‌های ویژه

۱-۶- روان‌شناسی جدید در ایران قرن ۱۴ شمسی^۱

انوشیروان رضایی

کاندیدای دکتری تخصصی روان‌شناسی

شروع قرن ۱۴ شمسی مصادف با سال ۱۹۲۲ میلادی است، ۴۳ سال بعد از تأسیس آزمایشگاه وونت^۲، زمانی که ساخت‌گرایی^۳ -نخستین مکتب رسمی روان‌شناسی که تیچنر^۴ از دیدگاه‌های وونت پدید آورده بود- با ضربات کارکردگرایی^۵ آمریکایی ملهم از دیدگاه‌های ویلیام جمیز^۶، استانلی هال^۷، جان مکین کتل^۸ و جان دیویی^۹ از یک طرف و سردمداران مکتب گشتالت از آلمان: ورتایمر^{۱۰}، کافکا^{۱۱} و کهلر^{۱۲} از طرف دیگر کاملاً از پا درآمده است. ۱۸ سال از اعطای جایزه نوبل به پاولف^{۱۳} پیر بابت پژوهش‌هایش در فیزیولوژی اعصاب گذشته و وی تحقیقاتش را اختصاصاً بر شرطی‌سازی کلاسیک متمرکز نموده است. پژوهش ادوارد لی ثرندایک^{۱۴} درباره یادگیری حیوانات به اوج رسیده و بیانیه رفتارگرایی واتسن^{۱۵} در آستانه ۱۰ سالگی است. اگرچه اسکینر^{۱۶} -پر نفوذترین روان‌شناس رفتارگرا- تنها ۱۸ سال دارد و نورفتارگرایان بطور کلی در آغاز راه هستند ولی ستون اندرزه‌های روان‌شناسی با رویکرد رفتارگرایی در روزنامه‌های سراسر آمریکا چاپ

^۱ به دلایل روشن این نوشتار صرفاً بر روان‌شناسی تمرکز کرده و از پرداختن به زمینه‌ها و رشته‌های نزدیک و وابسته مثل مشاوره، روان‌پزشکی، علوم تربیتی و... پرهیز نموده است.

^۲ Wilhelm Wundt

^۳ structuralism

^۴ E.B. Titchener

^۵ fonctionnalism

^۶ William James

^۷ Granville Stanley Hall

^۸ James Mckeen Cattell

^۹ John Dewey

^{۱۰} Max Wertheimer

^{۱۱} Kurt Kaffka

^{۱۲} Wolfgang Kohler

^{۱۳} Ivan Petrovitch Pavlov

^{۱۴} Edward Lee Thorndike

^{۱۵} John B Watson

^{۱۶} Burrhus Fredrick Skinner



می‌شود و آنچنانکه از سخن پرفسور بورینگ^۱ -نخستین تاریخ‌نگار روان‌شناسی- در ۱۹۲۹ بر می‌آید نهضت رفتارگرایی در آمریکا در حال شکوفایی است. فروید^۲ با ارایه دومین دیدگاه توپوگرافیک خود در مورد ساختار شخصیت (نظام نهاد، من و فرامن) نظریاتش را تقریباً کامل نموده و با توجه به دیدارش از دانشگاه کلارک در ۱۹۰۹ روان‌کاوی در آمریکا نظریه‌ای شناخته شده است. یونگ^۳ و آدلر^۴ هم چند سالی است که از فروید جدا شده مکاتب مستقل خود را عرضه کرده اند. البته روان‌کاوی هنوز به یک موج عمومی تبدیل نشده است و خرده مکتب‌های تحلیلی امروزی پدیدار نشده‌اند. از رویکرد انسان‌گرایانه-وجودی و رویکرد شناختی هم هنوز خبری نیست (شولتز^۵ و شولتز، ۱۳۷۰؛ بورینگ، ۱۳۷۴؛ هرگنهان^۶، ۲۰۰۹).

روان‌شناسی کاربردی هم گرچه در آغاز راه است ولی چشم‌انداز امیدوارکننده‌ایی را به نمایش گذاشته است. جنبش روان‌آزمایی با آزمون هوش بینه^۷ از ۱۹۰۵ برای سنجش عملکردهای عالی ذهن مثل حافظه، درک و استدلال وارد مرحله جدیدی شده و از ۱۹۱۶ لويس ترمن^۸ نسخه به روز شده و استاندارد از این آزمون با نام استنفورد-بینه عرضه نموده که پایه آزمون‌های هوشی امروزی است. آزمون آلفا و بتای ارتش آمریکا- نخستین آزمون هوش گروهی- از ۱۹۱۷ و آزمون لکه جوهر رورشاخ- مشهورترین آزمون فرافکن-در ۱۹۲۱ عرضه گردیده‌اند. والتر اسکات^۹-معروف به پدر روان‌شناسی صنعتی- در ۱۹۱۹ شرکت اسکات و جمیز مک کین کتل-مبدع واژه‌آزمون روانی- در ۱۹۲۱ بنگاه روان‌شناسی را برای ارائه خدمات روان‌شناسی در عرصه تجارت و صنعت بوجود آورده‌اند. از تأسیس نخستین کلینیک روان‌درمانی توسط لایتنر ویتمر^{۱۰} بنیانگذار روان‌شناسی بالینی- مرکزی که بیشتر به کودکان دارای اختلال یادگیری خدمات ارائه می‌کرد- ۲۶ سال و از تأسیس نخستین مرکز راهنمایی کودک توسط هیلی^{۱۱} ۱۳ سال می‌گذرد، جنبش بهداشت روانی توسط بیرز^{۱۲} از ۱۹۰۸ شروع شده و انجمن روان‌شناسی آمریکا که ۳۰ سال از تأسیسش گذشته از ۱۹۰۹ بخش روان‌شناسی بالینی خود را دایر نموده است. جنگ جهانی اول عرصه به کارگیری بیش از ۲۰۰۰ روان‌شناس بوده است با این حال هنوز روان‌درمانی در اختیار روان‌پزشکان است که عمدتاً از دیدگاه‌های روان تحلیلی متاثر از نظرات فروید تبعیت می‌کنند و ۲ سال مانده تا مری کاور جونز^{۱۳} در

^۱ Boring

^۲ Sigmund Freud

^۳ Carl Jung

^۴ Alfred Adler

^۵ Schultz

^۶ Hergenhahn

^۷ Alfred Binet

^۸ Lewis Terman

^۹ Wallter Dill Scott

^{۱۰} Lightner Witmer

^{۱۱} William Healey

^{۱۲} Gliford Beers

^{۱۳} Mary Cover Jones



آزمایش مشهور خود با کودکی به نام پیتر، در شرطی‌زدایی ترس، اولین مثال بارز رفتار درمانی را به نمایش بگذارد (شولتز و شولتز، ۱۳۷۰؛ پلانٹ^۱، ۲۰۰۵؛ کرامر، ۱۳۸۸)

خلاصه روان‌شناسی در آغاز قرن ۱۴ شمسی در سطح جهانی بیشتر به‌عنوان یک رشته علمی بنیادی شناخته می‌شود که از مطالعه هوشیاری شروع شده اکنون به موضوع رفتار روی آورده و اگر چه نیمرخ کاربردی آن در حال ظهور و بروز است ولی پختگی و قوام کافی را نیافته و در عرصه انسانی کار با کودکان و تعلیم و تربیت ملوس‌تر از سایر زمینه‌هاست.

اما در ایران که از اواخر دوره صفویه انقطاع علمی-فرهنگی با گذشته کشور و تمدن رو به رشد اروپایی رقم خورده وضع بسیار متفاوت و نامناسب است. از اوایل قرن ۱۳ شمسی ایرانیان متوجه عقب‌ماندگی شدید خود از جهان جدید شده و ابتدا با حرکت‌های فرهنگی که نمود بارز آن تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر در ۱۲۳۰ شمسی است و سپس با حرکت‌های اعتراضی سیاسی-اجتماعی که نهایتاً به انقلاب مشروطه سال ۱۲۸۵ منجر شد سعی در رفع عقب‌ماندگی دارند و در آغاز قرن چهارده شمسی یعنی ۱۳۰۱ شمسی یا ۱۹۲۲ میلادی تقریباً یک سال از ظهور رضاخان ملقب به سردار سپه در عرصه سیاسی کشور می‌گذرد.

دکتر علی اکبر سیاسی (۱۲۷۴-۱۳۶۹) که امروزه به حق به‌عنوان بنیان‌گذار روان‌شناسی جدید ایران لقب گرفته است، در این زمان چند سالی است که با اخذ درجه لیسانس به‌علت وقایع جنگ جهانی اول تحصیلاتش را در پاریس نیمه‌کاره رها کرده و در ایران مشغول تدریس دروس مختلف علوم انسانی دارالفنون بوده، از یک سال پیش برای رفع عقب‌ماندگی کشور دست به تشکیل «انجمن ایران جوان» زده، همچنین به فکر ایجاد نخستین درس روان‌شناسی است که اندکی بعد در ۱۳۰۴ با پشتیبانی علامه دهخدا در مدرسه علوم سیاسی محقق گردید. تقی ارانی (۱۲۸۱-۱۳۱۸) که در ۱۳۰۶ نخستین کتاب فارسی روان‌شناسی با عنوان «پسیکولوژی علم روح» را در برلین منتشر کرد ۲۰ سال بیشتر ندارد و تازه عازم آلمان شده است. همین‌طور است وضعیت محمد باقر هوشیار (۱۳۳۶-۱۲۸۳) ۱۷ ساله - نخستین چهره مطرح روان‌سنجی و روان‌شناسی آزمایش ایران- که شخصاً عازم اروپا شده است (ویکی‌پدیای فارسی) و مهدی جلالی (۱۳۶۵-۱۲۸۷)- پیش‌کسوت روان‌شناسی کودک و پرورشی- تنها ۱۴ سال دارد؛ هنوز حتی اصطلاح «روان‌شناسی» وضع نشده است.

سیاسی (۱۳۸۷) وضعیت عمومی پایتخت را فاقد شهرداری، فاقد اداره ثبت اسناد و املاک، فاقد قوای نظامی و انتظامی مناسب و سازمان یافته، فاقد وسایل نقلیه عمومی جدید، با کوچه‌ها و خیابان‌های تنگ و خاکی توصیف کرده که در آن عموم مردم بی‌سواد و زنان دور از هر گونه فعالیت اجتماعی-فرهنگی مواجه با فشارهای جامعه مردسالارند. واقعیت‌هایی که در سایر منابع تاریخی، اجتماعی و سیاسی نیز تأیید و تأکید شده‌اند از جمله: آبراهمیان، ۱۳۷۸؛ زیبا کلام، ۱۳۷۶؛ فراستخواه، ۱۳۸۸ و... در جای دیگر دکتر سیاسی (۱۳۵۵) در مورد وضعیت روان‌شناسی اوایل قرن ۱۴ چنین می‌گوید: «از زمان ابن سینا تا نیم قرن پیش از این آنچه درباره علم‌النفس به رشته تحریر درآمده همه بر مبنای فن ساده شفا بوده است و اطلاع از آن هم اختصاص به معدودی از خواص داشته است که به زبان عربی به قدر کافی آشنا بوده‌اند.»

محرری (۱۳۷۳) درباره روان‌پزشکی از زمان صفویه تا نیمه دهه ۱۳۳۰ شمسی که زمان تأسیس «بنگاه حمایت از دیوانگان»، «انجمن بهداشت روانی» بعدی است چنین نوشته است: «روان‌پزشکی در دست جادوگران و جام‌نشینان و دعانویسان و افراد ولگرد و راه‌نشین بود و کیمیا و سیمیا و طلسم و جام‌نشینی و دعانویسی، جانشین تدابیر و درمان‌های نفسانی گردیده بود. چنین وضعی باعث شد که

^۱ Plante



بعدها روان‌پزشکی و روان‌درمانی منحصر به ساختمان‌های نیمه مخروبه‌ای به نام تیمارستان شود که اداره آن در دست مأموران بلدی و سرپرستی آن بر عهده طبیعی ناآگاه بوده است.»

پرفسور کورس هلندی در ۱۳۳۳ وضع بیماران روانی در ایران را ننگ بشریت می‌خواند (محرری، ۱۳۷۳؛ بهرامی و معنوی، ۱۳۷۰). بدیهی است وضع در اوایل قرن بهتر از این نباشد.

به‌رغم این شرایط تأسفبار، روان‌شناسی ایران طی قرن ۱۴ شمسی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است و امروزه با وجود مشکلات غیرقابل انکار، از روند دانش جهانی به دور نبوده و ضمن برخورداری از پتانسیل لازم برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، دارای پژوهشگران، مدرسان و درمان‌گرانی مسلط به آخرین پیشرفت‌های علمی دنیا، مقید به اخلاق حرفه‌ای و مصمم به پیشبرد این رشته و حرفه در کشور است.

این پیشرفت‌ها مرهون تلاش مردان و زنان بسیاری است که در بستر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرن اخیر و طی مراحل چندی حاصل شده است. در یک نگاه کلی این روند را می‌توان در ۵ مرحله مورد بررسی و تبیین قرار داد.

- ۱- دوره اول از تدریس نخستین درس روان‌شناسی تا تأسیس اولین گروه روان‌شناسی (۱۳۰۴-۱۳۴۲)، دوره آغازین یا راه‌گشایی / دوره تلفیق
- ۲- دوره دوم از تأسیس گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران تا شروع انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۶)، دوره استقرار یا گسترش سازمانی / دوره ترجمه یا انتقال
- ۳- دوره سوم مقارن با انقلاب اسلامی (۱۳۵۶-۱۳۶۱)، دوره بحران / دوره جستجوی مشروعیت
- ۴- دوره چهارم از بازگشایی دانشگاه‌ها تا تأسیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره (۱۳۸۲-۱۳۶۱)، دوره شکوفایی سازمانی یا گسترش انفجاری / دوره جستجوی هویت
- ۵- دوره پنجم (۱۳۸۲ تاکنون)، دوره غلبه درمانگری / دوره عملگرایی

- دوره اول

نخستین دوره از مراحل پدیدآیی روان‌شناسی جدید در ایران را از حیث سازمانی باید دوره «آغازین یا راه‌گشایی» نامید چرا که به سبب انقطاع علمی-فرهنگی با گذشته از یک سو و عقب‌ماندگی از تحولات جهانی چیزی به نام روان‌شناسی یا هر عنوان دیگری که جایگزین این رشته علمی و انتظارات نظری و عملی مربوط به آن در جامعه باشد وجود ندارد. مهمترین رویدادهای این دوره تقریباً ۴۰ ساله عبارتند از:

۱۳۰۴	تدریس نخستین درس روان‌شناسی توسط علی اکبر سیاسی در مدرسه علوم سیاسی با حمایت و پشتیبانی علامه دهخدا
۱۳۰۶	چاپ نخستین کتاب روان‌شناسی به زبان فارسی توسط تقی ارانی در برلین با عنوان «پسیکولوژی علم روح» که ۵ یا ۶ سال بعد به ایران رسید ولی به‌علت گرایش‌های چاپ‌گرایانه مؤلف جزو آثار ممنوعه بود و اثر چندانی در روند رشد آکادمیک یا عمومی روان‌شناسی نداشت.
۱۳۰۸	استفاده از واژه «روان‌شناسی» در عنوان کتاب کوچک محمد حجازی (صاحب‌الزمانی، ۱۳۷۱) البته وضع این واژه طبق برخی شواهد، ابتکار دکتر سیاسی است (سیاسی، ۱۳۵۵)



<p>۱۳۱۱ تأسیس رشته تعلیم و تربیت یا همان فلسفه و علوم تربیتی و تعبیه درس «روان‌شناسی از لحاظ تربیت» توسط دکتر عیسی صدیق اعلم در دارالمعلمین عالی که ریاستش را بر عهده داشت و در همین اثنا به دانشسرای عالی تغییر نام داد. تدریس این درس نیز بر عهده دکتر سیاسی است.</p>
<p>۱۳۱۲ الی ۱۳۱۶ تمهید مقدمات و تأسیس نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی: ادوات اولیه توسط دکتر اسدالله بیژن استاد علوم تربیتی در سال ۱۳۱۲ در دانشسرای عالی تهیه شد. پس از تأسیس دانشگاه تهران و پیوستن دانشسرا به آن، در سال ۱۳۱۴ با سفارش دکتر سیاسی لوازم بیشتری خریداری و نهایتاً در ۱۳۱۶ آزمایشگاه طی مراسم رسمی افتتاح گردید. کرسی روان‌شناسی عملی به دکتر هوشیار واگذار شد و تصدی آزمایشگاه ابتدا به حبیب‌الله صحیحی و از ۱۳۱۸ به مصطفی نجاحی که پس از تکمیل تحصیلات و درگذشت دکتر هوشیار کرسی روان‌شناسی تجربی را در اختیار گرفت.</p>
<p>۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران و الحاق مدارس عالی به‌عنوان دانشکده‌های این دانشگاه از جمله مراکزی که روان‌شناسی در آنها تدریس شده بود یا می‌شد. دانشسرای عالی به‌عنوان دانشکده ادبیات و دانشکده علوم، مدرسه علوم سیاسی به‌عنوان دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مدرسه عالی طب به‌عنوان دانشکده پزشکی</p>
<p>۱۳۱۷ انتشار نخستین کتاب‌های آکادمیک روان‌شناسی، «روان‌شناسی از لحاظ تربیت» دکتر علی اکبر سیاسی؛ «روان‌شناسی عملی یا سنجش هوش» دکتر محمد باقر هوشیار</p>
<p>۱۳۱۴ الی ۱۳۳۹ پدید آمدن شعب و دروس مختلف روان‌شناسی: کرسی روان‌شناسی عمومی از ابتدا در اختیار دکتر سیاسی بود، روان‌شناسی عملی که بعداً به روان‌شناسی تجربی تغییر نام یافت در ۱۳۱۴ ایجاد و ابتدا به دکتر هوشیار و بعداً به دکتر نجاحی واگذار گردید. روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی پرورشی از ۱۳۱۹ رسمیت یافت و استاد آن دکتر مهدی جلالی بود. روان‌شناسی مرضی ۱۳۳۵ به‌عنوان درس اختیاری با تدریس دکتر پروین بیرجندی شروع شد، و روان‌شناسی اجتماعی ۱۳۳۷ با دکتر علیمحمد کاردان</p>
<p>۱۳۳۹ ایجاد لیسانس ۳ ساله رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی در دانشسرای عالی با پذیرش ۱۴ نفر دانشجو در زمان ریاست دکتر محمود صناعی که برخی آن را نخستین گروه روان‌شناسی دانسته‌اند (نوری، ارتباط شفاهی ۱۷ دی ۱۳۸۸)</p>

سایر تحولات این دوره که در عرصه عمومی به وقوع پیوسته‌اند عبارتند از: نشر مقالات تربیتی و روان‌شناختی در مجلاتی مانند فروغ تربیت، سخن، سپیده فردا، معلم امروز، بهداشت روانی و ... رسوخ روان‌شناسی به ادبیات داستانی مثلاً آثار صادق هدایت، پیدایش کتاب‌های عامه فهم روان‌شناسی مثل آثار محمد حجابی، ناصرالدین صاحب الزمانی، ابراهیم خواجه نوری، ابراهیم بنی احمد، هاشم رضی، جلال ستاری و دیگران که اغلب با رویکرد روانکاوی تألیف شده‌اند، هم‌چنین سخنرانی‌ها و نشست‌ها و برنامه‌های رادیویی مثل برنامه رادیویی دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی که از ۱۳۳۷ در رادیو ایران پخش می‌شد (صاحب الزمانی، ۱۳۷۱) که به نظر نمی‌رسد تأثیر چندانی در روند رشد روان‌شناسی ایفا کرده باشند.

اما از نظر فکری این دوره را می‌توان دوره تلاش اساتید برای «تلفیق» علم جدید با فرهنگ سنتی در نظر گرفت چرا که به‌رغم انقطاع فرهنگی و عقب‌ماندگی جامعه اهل فرهنگ آثار و سوابق تمدنی کشور را کمابیش پیش‌رو دارند و در ذهن و ضمیر خود دلبستگی به آنها را حس می‌نمایند. سردمدار این جریان فکری دکتر علی اکبر سیاسی است که به قول براهنی (۱۳۷۲) «با نوشتن این کتاب [روان‌شناسی یا علم‌النفس از لحاظ تربیت] در واقع بر انقطاع فرهنگی که از دوره صفویه تا پایان قاجار حاکم شده پل استواری زده است. دیگر کتاب‌های دکتر سیاسی از جمله هوش و خرد، روان‌شناسی جنایی، علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با



روان‌شناسی جدید، روان‌شناسی پرورشی، و نظریه‌های شخصیت نیز نمایشگر همان تلاش بی‌وقفه دکتر سیاسی در راه بومی کردن علم روان‌شناسی جدید در زبان فارسی است. «شخصیت‌های مؤثر دیگر^۱ یعنی دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر مهدی جلالی نیز کم و بیش همین راه را در پیش گرفته‌اند لذا در این دوره اغلب نوشته‌ها تألیفی هستند و نه ترجمه؛ البته این طبیعی است چرا که با اندکی مطالعه می‌توان دریافت تمدن کهن ایرانی مبانی فلسفی اغلب رویکردهای امروزی روان‌شناسی را در تعامل با سایر تمدن‌های بشری - البته با اقتضائات فرهنگی و جغرافیایی مردمان ساکن در آن و به زبان رایج روزگاران مختلف در دل خود پروانده است.

مثلاً آثار باقی‌مانده از ایران باستان تأکید روشنی بر خردگرایی و اهمیت شناخت دارند، در دوره بعد از اسلام، پزشکان متبحری چون رازی و ابن‌سینا تأکید ویژه‌ای بر مبانی فیزیولوژیک فرایندهای روانی و عملکرد مغز دارند، حکایت‌های مشهوری از درمان‌های مشابه رفتار درمانی امروزی در آثار ابن‌سینا وجود دارد (مثل درمان کنیزک عاشق مبتلا به اندوه که در مثنوی نقل است) در مباحث اخلاقی آنجا که صحبت از شهوات و امیال نفس به میان می‌آید اغلب فلاسفه و اندیشمندان مثل ابن مسکویه و غزالی اشارات روشنی دارند به آنچه در روانکاوای مطرح است (نجاتی، ۱۳۸۵) و بالاخره عرفا و ادبا سخنان نغز فراوانی دارند که با مبانی رویکردهای وجودی و انسان‌گرا نزدیک بلکه یکسانند. البته این صرفاً اختصاص به فرهنگ و تمدن ایرانی ندارد بلکه در همه تمدن‌های کهن کمابیش به چشم می‌خورد که نشانه اشتراک فکری تمدن‌های بشری است در بستر فرهنگ‌ها و جغرافیای مختلف، لذا نباید با غرور بی‌مورد نسبت به این گذشته مانعی در راه کسب درست مبانی علوم جدید من جمله روان‌شناسی ایجاد نماییم.

- دوره دوم

دوره دوم روان‌شناسی جدید در ایران را که از اوایل دهه ۴۰ تا انقلاب اسلامی را شامل می‌شود به لحاظ سازمانی می‌توان دوره «گسترش و استقرار» و به لحاظ فکری دوره «ترجمه و انتقال» به شمار آورد. آغاز این دوره همزمان با برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی کشور، دوره رشد کمی آموزش عالی و مدرنیزاسیون روز افزون دولتی است (فراستخواه، ۱۳۸۸) به طوری که در ابتدای این دهه (۱۳۴۳) وزارت فرهنگ به دو وزارت خانه آموزش و پرورش متولی تعلیم و تربیت از ابتدایی تا عالی و فرهنگ و هنر متولی سایر مسائل فرهنگی تبدیل می‌شود و در انتها (۱۳۴۷) بخش تعلیمات عالییه وزارت آموزش و پرورش خود به وزارت خانه مستقل علوم و آموزش عالی ارتقاء می‌یابد (همان) این تحولات همزمان است با تحولات درونی دانشگاه‌ها که حداقل یکی از دلایل آن پایان دادن به رقابت و اختلاف نظر بین اساتید جوان و اساتید پیش‌کسوت در جهت تسریع روند طی مدارج دانشگاهی است. (دادستان، منصور، ۱۳۷۱)

بدین ترتیب از سال ۱۳۴۱ نظام سالی به نیم‌سالی (ترمی) تبدیل شد، کرسی‌های استادی حذف و دانشکده موظف به تشکیل دپارتمان (گروه آموزشی) گردیدند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰). دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۴۲/۵/۸ نه گروه آموزشی را به تصویب رسانید که از جمله آنها گروه روان‌شناسی است (ایروانی، ۱۳۷۴). روند تکوین این گروه و سایر تحولات مربوط به روان‌شناسی به شرح ذیل است:

^۱ بی تردید شخصیت مؤثر این دوره دکتر سیاسی است متولد تهران تحصیل کرده مدرسه علوم سیاسی و دانشگاه روان پاریس که طی این دوره و دوره دوم قدم‌های اصلی بنیانگذاری روان‌شناسی ایران را برداشت (رضایی و زمانی، ۱۳۹۰)



۱۳۴۱ تأسیس «مؤسسه مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی و علوم تربیتی» در بهمن ۱۳۴۱ (با الگوبرداری از مؤسسه مطالعات اجتماعی) برای تدریس این رشته در تراز کارشناسی ارشد نخستین رئیس مؤسسه دکتر جلالی است که ضمناً قائم مقام دکتر سیاسی در گروه روان‌شناسی نیز بوده است. بعد از دکتر جلالی دکتر محمود صناعی (اواخر دهه ۴۰) مدیریت مؤسسه روان‌شناسی را بر عهده می‌گیرد. و بعد از مهاجرت ایشان به لندن دکتر مرتضی نصفی این سمت را تا انقلاب اسلامی بر عهده داشته است. (روءوف، ۱۳۷۶)

۱۳۴۲ تشکیل گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران: در سال ۱۳۴۱ به دنبال تغییرات در شرف وقوع مقرر شد کرسی استادی حذف و نظام نیم‌سال جایگزین نظام سالی در دانشگاه‌ها شود. لذا در مرداد ۱۳۴۲ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۹ گروه آموزشی (دپارتمان) از جمله گروه روان‌شناسی را مصوب نمود که در آن سال صرفاً دانشجویان کارشناسی ارشد مؤسسه روان‌شناسی را تحت آموزش داشت و سال بعد ۱۳۴۳ نخستین گروه دانشجویان دوره کارشناسی روان‌شناسی را به تعداد ۳۰ نفر پذیرش نمود. نخستین رئیس گروه دکتر سیاسی است مدیریت گروه بعد از سیاسی به جلالی، شاملو، راسخ و در آخرین سال‌های قبل از انقلاب به دکتر گیلانی واگذار شد.

۱۳۴۷ تأسیس انجمن روان‌شناسی ایران: بحث تأسیس انجمن نخستین بار در سال ۱۳۴۴ به ابتکار دکتر سیاسی طرح شد. اواخر همان سال هیئت‌مدیره موقت تشکیل و اعضای آن به شرح ذیل انتخاب شدند: دکتر سیاسی رئیس، دکتر صناعی و دکتر جلالی نایب رئیس، دکتر نجاحی خزانه‌دار، دکتر کاردان دبیر، طی سال ۱۳۴۴ اساس‌نامه تهیه گردید و اساتید سایر گروه‌ها و مؤسسات و مدارس عالی از جمله دکتر سیمین رجایی، دکتر نیک‌چهره محسنی، دکتر طیبه احتشامی، دکتر ابراهیم هاشمی، دکتر خسروپور، دکتر سیروس عظیمی، دکتر ابراهیم هاشمی، دکتر فکوری، دکتر مهندسی به این جمع پیوستند. در آبان ۱۳۴۶ انجمن به ثبت رسید و سرانجام در ۱۶ آبان ۱۳۴۷ طی یک مراسم رسمی در سالن دانشکده هنرهای زیبا افتتاح گردید (مجله روان‌شناسی، شماره اول آذر ۱۳۴۹).

۱۳۴۹ انتشار نخستین مجله روان‌شناسی: اگرچه مطالب روان‌شناختی در مجلات عمومی و مجلات دانشکده‌های ادبیات، علوم تربیتی و بعضاً پزشکی منعکس می‌شد اما نخستین مجله روان‌شناسی که ضمناً ارگان انجمن روان‌شناسی نیز به شمار می‌رفت در آذر ۱۳۴۹ به همت دکتر سیاسی، سردبیری دکتر هاشمی و همکاری اعضای انجمن شروع به انتشار نمود که تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت و حدود بیست و چند شماره از آن منتشر گردید (رضایی، ۱۳۷۷).

۱۳۵۴ تشکیل نخستین سمینار انجمن روان‌شناسی ایران: این سمینار با عنوان «کاربرد روان‌شناسی در شئون مختلف جامعه متحول امروز» پس از دو سال تلاش در ۱۰،۹ و ۱۱ دی ۱۳۵۴ با شرکت گسترده اعضا در سالن کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار گردید. دبیر سمینار دکتر ابراهیم هاشمی بود و طی آن ۲۰ سخنرانی در مورد کاربرد روان‌شناسی در حوزه‌های مختلف ایراد گردید (مجله روان‌شناسی شماره‌های ۱۴ و ۱۵، ۱۳۵۵).

۱۳۴۳ الی ۱۳۵۷ تأسیس رشته‌های مختلف در روان‌شناسی و گسترش این رشته‌ها در مراکز آموزش عالی تهران و دیگر شهرستان‌ها: مدرسه عالی دختران ۱۳۴۳؛ دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان ۱۳۴۴؛ مدرسه عالی پارس ۱۳۴۵؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملی ۱۳۴۶؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز ۱۳۴۶؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۷؛ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۴۸؛ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه جندی شاپور ۱۳۵۲؛ کارشناسی روان‌شناسی؛



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد ۱۳۵۰ کارشناسی روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز ۱۳۴۹ کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۳ کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی؛ دانشکده پزشکی دانشگاه تهران ۱۳۵۴ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی؛ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه جندی شاپور ۱۳۵۶ کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی-سازمانی

با این گسترش سازمانی استقرار روان‌شناسی در سطح کشور حداقل در نظام آموزش عالی تثبیت گردید لیکن اقدامات شبه مدرنیستی که هر روز جامعه را از فرهنگ سنتی دور می‌کرد، دشواری و زمان‌بر بودن نوسازی فرهنگی اصیل و ریشه دار، و عدم علاقه متولیان امر به پیوند مدرنیته با سنت، شرایطی ایجاد نمود که کوشش دکتر سیاسی و برخی اساتید همراه، در تلفیق علم‌النفس و روان‌شناسی پاسخگوی نیازها و مطالبات جامعه و نظام دانشگاهی نباشد لذا ترجمه و انتقال بی‌کم و کاست علم روان‌شناسی به جریان غالب این دوره تبدیل گردید که نماد بارز آن جایگزینی کتاب «اصول روان‌شناسی نرمان ل مان» ترجمه دکتر محمود صناعی از سال ۱۳۴۲ به جای کتاب علم‌النفس دکتر سیاسی است. لذا شخصیت برجسته این دوره دکتر محمود صناعی (۱۲۹۸-۱۳۶۴) است؛ متولد اراک که پس از تحصیل در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل در دانشگاه لندن پرداخت و بین سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۸ در ایران بود و مصدر خدمات فرهنگی مهمی از جمله در زمینه روان‌شناسی گردید مثل ریاست دانشسرای عالی، عضو مؤسس و رئیس مؤسسه روان‌شناسی و... علاوه بر ایشان در این زمان، نسل دوم روان‌شناسان ایران وارد عرصه می‌شوند یعنی کسانی که بعد از تأسیس دانشگاه تهران با گذراندن دوره لیسانس در این دانشگاه یا با مدرک دیپلم راهی دانشگاه‌های خارج از کشور شدند. این گروه پیشروان تأسیس شعب و رشته‌های مختلف روان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف، مؤلفان نخستین کتب و مقالات روان‌شناسی و مربی و معلم مستقیم یا غیر مستقیم نسل‌های بعدی روان‌شناسان کشور هستند. از جمله مشهورترین این گروه نجاحی، صناعی، کاردان، مهریار، شریعتمداری، نصفت، هومن، منصور، دادستان، راسخ، شاملو، براهنی، قاسم زاده، نوع پرست، سرمد، محسنی، رضویه، مهندسی، بازرگان، زمانی، شکرکن، گنجی، ساعتچی، سیف، و... هستند.

- دوره سوم

دوره سوم روان‌شناسی که با عنوان دوره «بحران» یا دوره «جستجوی مشروعیت» نام‌گذاری شد با تحولات ناشی از انقلاب اسلامی مرتبط است. با شروع جریانات مربوط به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ بسیاری از فعالیت‌های علمی و فرهنگی که گسترش و عمق چندانی در جامعه نداشتند از مدار توجه مردم و مقامات خارج شده به سستی گراییدند. روان‌شناسی نیز که در آغاز راه بود از این قاعده مستثنی نشد و لطماتی را متحمل گردید. در چنین فضایی به علت نا آرامی‌های سیاسی از خرداد ۵۹ دانشگاه‌ها تعطیل و ستاد انقلاب فرهنگی برای اصلاح امور دانشگاه‌ها تشکیل شد. لیک باید توجه داشت که زمینه‌های چندی به این امر دامن می‌زدند از جمله رقابت‌های شغلی و شخصی بین اساتید روان‌شناسی و بعضاً بین برخی از دانشجویان و اساتید در سال‌های نزدیک به انقلاب که به مرور وجه سیاسی هم پیدا کرده بود، نزدیکی برخی اساتید به سران نظام سیاسی، توجیه‌گری عملکرد نظام سیاسی در سایه تئوری‌های علوم انسانی از جمله روان‌شناسی، مطرح بودن تئوری‌هایی راجع به مسائل جنسی که جزو تابوهای مذهبی محسوب می‌شود، عدم توفیق روان‌شناسی در عین شدن با فرهنگ سنتی و پاسخ‌گویی گسترده به نیازهای جامعه در این زمینه و نوعی ابتدال در برداشت عامیانه از روان‌شناسی؛ بدین ترتیب پرونده اساتید از سوی دانشجویان انقلابی بیرون کشیده شد و جار و جنجال‌ها بر سر غیر ضروری بودن یا نامشروع بودن روان‌شناسی شروع شد. یکی دو نفر از اساتید اعدام شدند، عده‌ای بازنشسته و تعداد بیشتری مهاجرت نمودند. نشریه دانشگاه انقلاب ارگان جهاد دانشگاهی از مبانی کفر در روان‌شناسی موجود و تمایلات مرضی روان‌شناسان و روان‌پزشکان نسبت به بیماران روانی سخن



به میان آورد (رضایی، ۱۳۷۷) و در ستاد انقلاب فرهنگی صحبت از حذف یا اسلامی کردن علوم انسانی از جمله روان‌شناسی بود (سروش، به نقل از رضایی و زمانی، ۱۳۹۰).

نهایتاً "از یک سو با فروکش کردن تب اولیه و روشن شدن این موضوع که پایه‌گذاری یا تغییر یک رشته دشوار و زمان‌بر است و بسیاری از مطالب هم حداقل به صورت مستقیم مغایرتی با دین ندارد و از سوی دیگر فشار اجتماعی برای بازگشایی دانشگاه‌ها تعدیل‌هایی در دیدگاه انقلابیون ظهور کرد که منجر به بازگشایی دانشگاه‌ها با تغییراتی در برنامه درسی و پاکسازی عده‌ایی از اساتید در سال ۱۶۲-۱۳۶۱ گردید.

- دوره چهارم

چهارمین دوره روان‌شناسی ایران که از بازگشایی دانشگاه‌ها بعد از انقلاب فرهنگی شروع و تا نیمه‌های دهه ۱۳۸۰ تداوم می‌یابد از حیث سازمانی عرصه «شکوفایی یا گسترش انفجاری» و از جهت فکری «دوره جستجوی هویت» به شمار می‌رود. این دوران از دو نیمه تشکیل شده، نیمه اول تا پایان جنگ ایران و عراق است که زمینه‌سازی‌های فکری، اجتماعی و سازمانی برای گسترش روان‌شناسی فراهم گردید. نیمه دوم دوران بعد از جنگ است که برنامه‌های پیش‌بینی شده این گسترش به مرحله اجرا در آمد مهم‌ترین رویدادهای مربوط به گسترش سازمانی عبارتند از:

۱۳۶۱-۶۲ - تأسیس دانشگاه تربیت مدرس که نخستین دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی را در همان سال و اولین دوره دکتری را در سال ۶۷-۱۳۶۶ راه اندازی نمود. (آشنایی با دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰)

۱۳۶۲ - تشکیل دانشگاه علامه طباطبایی از تلفیق بیش از ۱۱ موسسه آموزش عالی مثل دانشگاه ابوریحان، دانشگاه آزاد ایران، مدرسه عالی پارس شمیران و... و به‌عنوان بزرگترین دانشگاه علوم انسانی کشور که تعداد بی‌سابقه‌ای از اساتید و مدرسان را متمرکز نموده و الگویی برای مراکز دیگر شد. (آشنایی با دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵)

۱۳۶۱-۶۲ - تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی که بی‌سابقه‌ترین گسترش را در آموزش روان‌شناسی موجب شد. به‌عنوان مثال در سال ۷۶-۱۳۷۵، دانشجویان شعب مختلف روان‌شناسی در واحدهای این دانشگاه بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر بود که تقریباً سه برابر آمار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در همان سال و یکی و نیم برابر کل فارغ‌التحصیلان روان‌شناسی از سال ۱۳۴۱ تا آن تاریخ بود (دانشگاه آزاد، ۱۳۷۶، نقل از رضایی، ۱۳۷۷).

۱۳۶۶ - تأسیس دانشگاه پیام نور: آموزش مکاتبه‌ای که سوابقی در دانشگاه ابوریحان در قبل از انقلاب اسلامی داشت توسط دانشگاه پیام نور ابعاد بسیار گسترده ای یافت (رئوفی و ثنایی، ۱۳۷۴ نقل از رضایی، ۱۳۷۷) بطوریکه زمینه‌ساز نوعی اعطای مدارک بی‌پشتوانه گردید و روان‌شناسی نیز از این روند بر کنار نماند.

این تحولات سازمانی در آموزش عالی به همراه گسترش نشر و انتشار کتب و مقالات، مجامع علمی، تأسیس انجمن‌ها و گسترش شعب و رشته‌ها در اکثر دانشگاه‌های کشور به حدی بوده است که پرداختن نه به همه آنها حتی به مهم‌ترین آنها در این مختصر میسر نیست تنها برخی از اولین‌هایی را که مهم هستند برمی‌شمیریم.

- در زمینه گسترش شعب و رشته‌ها اگر چه پس از بازگشایی دانشگاه‌ها صرفاً سه گرایش عمومی، بالینی و استثنایی آن هم در حد کارشناسی مصوب گردید. تا دهه ۱۳۸۰ به جز برخی از زمینه‌های بنیادی مثل روان‌شناسی آزمایشی سایر شعب معروف



روان‌شناسی مثل بالینی، سلامت، استثنایی، تربیتی، مشاوره، شخصیت، صنعتی-سازمانی، علوم شناختی و... دوره کارشناسی ارشد و حتی دکتری خود را در دانشگاه‌های مختلف دایر نمودند.

- چاپ کتب در همه زمینه‌ها چنان گسترشی دارد که مراکز ویژه برای نشر کتب روان‌شناسی ایجاد شده‌اند که بی‌نیاز از معرفی هستند نکته قابل توجه در این زمینه یکی گستردگی چاپ کتاب‌های عامه‌پسند و بعضاً آثار زرد هستند که اثر تخریبی در روند رشد روان‌شناسی ایفا نموده‌اند و دیگری اقبال عمومی جامعه دانشگاهی از کتاب «زمینه روان‌شناسی هیگارد» ترجمه براهنی و همکاران است که نخستین بار در سال ۱۳۶۶ به زیور طبع آراسته شد و تا همین اواخر چاپ‌های جدید آن از ویرایش‌های بعدی در زبان اصلی مهمترین کتاب درسی روان‌شناسی عمومی به شمار می‌رفت به عبارتی این کتاب جایگاهی مشابه کتاب علم‌النفوس دکتر سیاسی در دوره اول و کتاب اصول روان‌شناسی مان ترجمه صناعی در دوره دوم را داشت. (رضایی و زمانی، ۱۳۹۰)

- چاپ مجلات در بعد از انقلاب با نشریه «بازتاب» به سردبیری حبیب‌الله قاسم زاده در زمستان ۱۳۵۸ شروع شد و علاوه بر آن مجله «روان‌شناسی رازی» ارگان بیمارستان رازی و «پژوهش در مسائل روانی-اجتماعی» وابسته به نهاد ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۰ ادامه یافت ولی هر سه در اثر مشکلات نشر در زمان جنگ و فقدان خواننده متوقف گردیدند تا اینکه در سال ۱۳۷۰ نخستین نشریه پژوهشی روان‌شناسی با عنوان «پژوهش‌های روان‌شناختی» به سردبیری و مدیر مسئولی دکتر رضا زمانی منتشر شد. این نشریه ضمن رعایت معیارهای حرفه‌ایی یک نشریه پژوهشی و دریافت مجوز علمی-پژوهشی در رعایت کیفیت ظاهری چاپ هم نهایت دقت را به خرج داد و از هر حیث الگوی مجلات بعدی گردید. در ادامه مجله اندیشه و رفتار ارگان انیستیتو روانپزشکی تهران، مجلات دانشکده‌های روان‌شناسی، انجمن‌های علمی و .. به میان آمدند و امروز تعداد مجلات پژوهشی، ترویجی و عامیانه به قدری است که حتی ارایه فهرستی از آنها در این جا مقدور نیست.

- مجامع علمی: افزایش سمینارها و کنفرانس‌ها نیز همانند دیگر فعالیت‌ها از دو جهش برخوردار است یکی جهش کوچک به سال ۱۳۶۱ که ناشی از رفع شرایط خاص اوایل انقلاب است و دیگری جهش بزرگ در سال ۱۳۶۸ که به اتمام جنگ و آغاز برنامه‌های بازسازی و توسعه مربوط است. در هر صورت بررسی مجلات تا سال ۱۳۷۷ حاکی از برگزاری حدود ۱۰۰ سمینار، کنفرانس، کنگره و همایش و نشست در مورد مسائل روان‌پزشکی، روان‌شناسی و تربیتی است البته بدون محاسبه میزگردهای محدود، سخنرانی‌های انجمن‌ها و مراکز علمی و برنامه‌های رادیو-تلویزیونی که به صورت روزانه یا حتی چند برنامه در روز ارائه می‌شوند. به هر حال موارد مهم که مستقیماً به روان‌شناسی مربوط بودند از طرف انجمن‌های مختلف روان‌شناسی که از سال ۱۳۷۴ تشکیل آنها شروع شد برگزار گردیدند از جمله:

«اولین کنگره روان‌شناسی بالینی ایران»، ۱۴ تا ۱۶ اسفند ۱۳۷۴، برگزار کننده: گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، دبیر: دکتر سعید شاملو (پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۵).

«همایش تحول شناخت» ۱۴ تا ۲۰ آبان ۱۳۷۵، برگزار کننده گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس با همکار انجمن ایرانی روان‌شناسی و دانشگاه ژنو، به مناسبت یکصدمین سال تولد ژان پیاژه، دبیر سمینار دکتر پریخ دادستان (دانشگاه تربیت مدرس، آبان ۱۳۷۵).

- نخستین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران ۳۱ شهریور لغایت ۲ مهر ۱۳۷۶ برگزار کننده انجمن روان‌شناسی ایران با همکاری معاونت پژوهش وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت و دانشگاه علوم بهزیستی، دبیر علمی دکتر سعید شاملو، که تا آن زمان گسترده‌ترین همایش از نوع خود بود. این کنگره به طور ادواری ادامه یافته و «هشتمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران» ۲۶



الی ۲۸ آبان سال ۱۴۰۰ با تأکید بر روان‌شناسی تروما به ریاست دکتر رضا زمانی و دبیری دکتر حمید یعقوبی در دانشگاه شریف برگزار گردید.

- انجمن‌های علمی و حرفه‌ای. با تعطیلی انجمن روان‌شناسی ایران در سال ۱۳۵۸ فعالیت‌های تشکلی به محاق رفت تنها انجمن سال‌های قبل از جنگ «انجمن روان‌شناسان شاغل در بهزیستی» است که با ریاست دکتر شیوا دولت‌آبادی در دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ فعالیت‌های محدودی داشت. در سال ۱۳۷۴ به همت دکتر سعید شاملو، دکتر رضا زمانی، دکتر محمد نقی براهنی و تعداد دیگری از اساتید «انجمن روان‌شناسی ایران» که خود را ادامه انجمن روان‌شناسی قبل از انقلاب می‌داند تشکیل و به مرور به فراگیرترین و مهمترین انجمن علمی حوزه روان‌شناسی تبدیل گردید. در رقابت با این انجمن که اعضای آن عمدتاً به رویکرد «نگاه فرهنگی به علم جهانشمول روان‌شناسی» تعلق خاطر داشتند طرفداران «روان‌شناسی تحولی‌نگر» و با گروهی از علاقمندان «روان‌شناسی اسلامی» در سال ۱۳۷۵ با تشکیل «انجمن ایرانی روان‌شناسی» مبادرت کردند در رأس این گروه دکتر پریخ دادستان، دکتر محمود منصور، دکتر جواد اژه‌ایی، دکتر غلامعلی افروز، دکتر علی اصغر احمدی بودند. به مرور انجمن‌های دیگر نیز پا به عرصه گذاشتند. انجمن مشاوره ایران سال ۱۳۷۵، انجمن روان‌شناسی بالینی ۱۳۸۰، انجمن روان‌شناسی اجتماعی ۱۳۸۱، انجمن روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان ۱۳۸۴، انجمن روان‌شناسی تربیتی ۱۳۹۲، انجمن روان‌شناسی صنعتی-سازمانی ۱۳۹۵ و... امروزه پراکندگی این تشکلهای بسیار زیاد است طوری که نوعی تشتت در امر فعالیت گروهی قابل مشاهده است لذا اخیراً کنفدراسیونی از انجمن‌های فعال حوزه روان‌شناسی شکل گرفته که هنوز در مراحل اولیه حیات خود به سر می‌برد.

صرف‌نظر از این تغییر و تحولات روان‌شناسی در این دوره از حیث فکری در جستجوی هویت بوده است به‌عبارت دیگر ناکامی در تلفیق روان‌شناسی جدید با فرهنگ سنتی، عدم موفقیت جریان ترجمه و انتقال، و مخصوصاً چالش‌های دوران بحران مشروعیت این سؤال را پیش روی روان‌شناسان قرار داد که روان‌شناسی ایران در کدامین چهارچوب نظری قابل تبیین است؟ مفهوم مرکزی معرف روان‌شناسی ایران چیست؟ روان‌شناسی ایران در کدام بستر نظری می‌تواند چشم‌انداز آتی خود را ترسیم نماید؟

در پاسخ به چنین پرسش‌هایی سه گرایش در این دوره مطرح گردید. نخست روی آوردن به مفهوم «روان‌شناسی اسلامی» است که آمال دانشجویان انقلابی مثل علی اصغر احمدی، مرتضی منطقی، محمود گلزاری ... و برخی اساتید روان‌شناسی و روان‌پزشکی مثل دکتر سید علی اکبر حسینی، دکتر سید ابوالقاسم حسینی، دکتر حسن احدی و... بود و سیاست‌های رسمی کشور نیز حامی این رویکرد بودند.

اقداماتی مثل تشکیل سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت»، تغییر چندباره برنامه درسی دانشگاه‌ها در راستای اسلامی کردن علوم انسانی، تشکیل دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، اعطای بورس به طلبه‌ها جهت تحصیل روان‌شناسی در داخل و خارج از کشور، تأسیس برخی مدارس عالی خاص مثل مؤسسه آموزشی-تحقیقاتی امام خمینی(ره) از طرف آیت الله مصباح یزدی، تأسیس انجمن روان‌شناسی اسلامی، تأسیس رشته مشاوره اسلامی، تشکیل مجامع علمی مثل روان‌شناسی در اسلام و... از جمله فعالیت‌های فردی، گروهی و دولتی در راستای دستیابی به این رویکرد بوده است. با این همه این گروه هنوز به موفقیتی قابل عرضه در سطح جهانی یا ملی دست نیافته‌اند و بیشتر در حد مباحث کلی نظری باقی مانده‌اند یا حداکثر پژوهش‌های محدودی در چهارچوب روان‌شناسی دین ارائه نموده‌اند تا روان‌شناسی دینی (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رضایی و زمانی، ۱۳۹۰).

رویکرد دوم حاصل تلاش دو تن از اساتید دانشگاه تهران خانم دکتر پریخ دادستان (۱۳۸۹-۱۳۱۲) و آقای دکتر محمود منصور (۱۴۰۰-۱۳۰۹) است این دو نفر با رویکرد تحولی و تلفیق دیدگاه شناختی ژان پیاژه با رویکرد روان تحلیلی به‌ویژه نظریات فروید



و آدلر سعی در ارائه نظامی یکپارچه شامل جنبه‌های شناختی و عاطفی نمودند که در دوران بعد از جنگ تا زمان حیاتشان با تألیف و ترجمه و تدریس و پرورش دانشجویان وفادار سعی در پیشبرد نظرات خود داشتند خاصه در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران. طرفداران این رویکرد نیز اگرچه انجمن ایرانی روان‌شناسی در رقابت با انجمن روان‌شناسی ایران تشکیل دادند و مجلاتی بوجود آوردند ولی بتدریج مرزهای خود را با رویکرد سومی که فراگیرتر بود کم‌رنگ‌تر کرده و از تشخیص اولیه دور شدند. رویکرد سوم که شامل دیدگاه اکثریت روان‌شناسان ایرانی است به این جمع‌بندی رسیدند که روان‌شناسی دانشی جهانی است و تلاش برای محدود کردن آن در قالب یک دین یا جغرافیای خاص در بلند مدت ره به جایی نخواهد برد لیکن لحاظ کردن ویژگی‌های فرهنگی و متمرکز نمودن پژوهش‌ها در راستای نیازها و الویت‌های ملی می‌تواند هم به باروری جهانی این علم کمک کند و هم بازدهی آن را در رفع مشکلات و نیازهای جامعه مورد نظر افزایش چنین رویکردی البته پرداختن به عناصر فرهنگ ملی و دینی و تئوری‌پردازی در بستر مفاهیم بومی را به شرط عدم تعارض با یافته‌های مسلّم علمی بلامانع بلکه مفید قلمداد می‌نماید. این نگاه «فرهنگی-جهانشمول» به علم روان‌شناسی گر چه پاسخ اکثریت روان‌شناسان به رویکرد محدود دو گروه قبلی در بیان و توضیح هویت روان‌شناسی ایران به شمار می‌رود ولی در عمل با غلبه درمانگری و عمل‌گرایی مجالی برای تئوریزه شدن نداشته و مثل دو رویکرد دیگر جایگاهی قابل اعتنایی در محافل علمی جهانی و ملی پیدا نکرده است. لذا می‌توان گفت تلاش روان‌شناسی ایران برای هویت‌یابی هنوز به نتیجه مشخص و روشنی که توجه مراکز و محافل علمی جهانی را جلب کند و یا نظریه‌های خاصی از قبل این تلاش عرضه شده باشد دست نیافته است.

- دوره پنجم

دوره پنجم یا اخیر روان‌شناسی ایران با غلبه «درمانگری» و رواج تفکر «عملگرایی در برابر نگاه بنیادی» به روان‌شناسی قابل درک به نظر می‌رسد. اگر چه نمی‌توان این دوره را زاینده رویداد خاصی در زمان مشخصی قلمداد نمود ولی تأسیس «سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ج ۱۱» در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان یک نشانه برای شروع این دوره، یادآور مناسبی به نظر می‌آید. در حقیقت بدنبال ناکامی روان‌شناسی ایران در دستیابی به یک هویت منسجم قابل قبول و با توجه به گسترش بی‌رویه در حیطه آموزشی که در نیمه‌های دهه ۱۳۹۰ به رقم غیر قابل باور ۲۵۰ هزار دانشجوی با ضریب پذیرش ۵۰ هزار نفر در سال رسید (فتحی، ۱۳۹۳). تنها عاملی که می‌توانست توجه‌گر این خیل عظیم در انتخاب رشته روان‌شناسی باشد امکان جذب شدن در بازار کار بود. از طرف دیگر بازار کار برای فارغ‌التحصیلان روان‌شناسی در ایران تقریباً معنایی جز پرداختن به امر مشاوره و روان‌درمانی آن هم به‌صورت خصوصی نداشته و ندارد. چراکه روان‌شناسی در ایران اگر چه در ابتدا (دوره اول) از نظام آموزشی و با صبغه تربیتی شروع شد ولی به مرور در دوره‌های دوم و سوم به سمت درمان و بهداشت روانی سوق پیدا کرده بود. از جمله دلایل این امر موارد زیر می‌باشند: دولتی بودن آموزش و پرورش و عدم توان و عدم اعتقاد کافی اغلب مسئولین این نهاد عریض و طویل به ضرورت بکارگیری روان‌شناسان، تغییر محل تحصیل اکثر دانشجویان روان‌شناسی اعزامی به خارج از کشورهای اروپایی دارای روان‌شناسی با صبغه تربیتی به کشورهای آنگلو ساکسون که با روان‌شناسی دارای صبغه بالینی و پزشکی، تشبیه بی‌مورد روان‌شناسان به پزشکان و روان‌پزشکان، گسترش دیدگاه روانکاوی در فرهنگ عامه ولو به‌صورت نادرست و تحریف شده، تأسیس رشته روان‌شناسی بالینی از سال ۱۳۵۴ و وجود مراکزی برای اشاعه روان‌شناسی بالینی در کشور خاصه انستیتو روان‌پزشکی تهران (دانشکده سلامت روان و علوم رفتاری کنونی)، پدیدآیی رشته مشاوره به‌دنبال تغییرات نظام آموزش و پرورش در دهه ۱۳۵۰ و رشد کمی مشاوران مدعی درمان، افزایش نیاز به خدمات روان‌درمانی و مشاوره به سبب تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دهه‌های اخیر مثل رشد جمعیت شهرنشین، بالا رفتن سطح سواد، اوج گرفتن آسیب‌های فردی و اجتماعی ناشی از بلایای طبیعی دامن‌گیر و خصوصاً اثرات آسیب‌زای جنگ ۸ ساله و...



لیکن رویدادی که می‌توانست مفر قانونی و موجهی برای چنین مطالبه‌ای باز کند اعطای مجوز یا همان پروانه کار و تأسیس مراکز درمانی (کلینیک) بود.

سابقه کار بالینی و درمانی حرفه‌ای به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد، اما تا سال ۱۳۷۲ ضابطه رسمی و مشخصی برای فعالیت حرفه‌ای وجود نداشت. با این وجود و به‌رغم مخالفت روان‌پزشکان هم تعداد محدودی کلینیک خصوصی و هم مراکز دولتی برای مشاوره و درمان از طرف دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، بهزیستی و برخی نهادها مثل بنیاد شهید دایر بودند.

در سال ۱۳۷۲ از یک طرف سازمان نظام پزشکی اجازه کار برای روان‌شناسان دارای مدرک دکتری روان‌شناسی بالینی را زیر نظر روان‌پزشکان و بدون حق تجویز دارو تصویب کرد، و از سوی دیگر، شورای عالی جوانان طرح تأسیس کانون‌های مشاوره جوانان را مصوب نمود. این وضع گرچه باب میل روان‌شناسان نبود ولی باعث پدید آمدن مراکز درمانی جدیدی گردید.

سرانجام به‌دنبال تلاش‌های انجمن‌های مربوطه پس از یک دوره متلاطم ۵ ساله در ۱۳۸۲ «سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان متولی رسمی فعالیت‌های حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران تأسیس و از ۱۳۸۳ فعالیت خود را آغاز نمود (ثنایی و حقیقت جو، ۱۳۸۳؛ یعقوبی وهمکاران، ۱۳۸۸)

ریاست سازمان از بدو تأسیس تا ۱۳۹۰ برعهده دکتر غلامعلی افروز بود و از سال ۹۰ به دکتر عباسعلی الهیاری واگذار گردید. از سال ۱۳۹۵ به‌دنبال انتخابات دوره چهارم مشکلاتی در اداره سازمان رخ داد که بعد از مدتی تلاطم دکتر محمد حاتمی در رأس سازمان قرار گرفت که متأسفانه هنوز مشکلات اداری و مالی درون سازمان آنچنان که شایسته و بایسته است حل نگردیده است.

سازمان از آغاز دوره فعالیت خود تا سال ۹۹، ضمن ساماندهی نسبی امور حرفه‌ای روان‌شناسی بالینی و مشاوره بیش از ۳۰۰۰۰ عضو گرفته بالغ بر ۵۲۲۵ «پروانه» صادر کرده و طبق برآورد رئیس فعلی حدود ۱۰۰۰ مرکز فعال با مجوز سازمان مشغول کار هستند (سایت رسمی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ج ا). با این همه عملکردش منتقدان بسیاری دارد. از جمله این انتقادات صرف نظر از میزان صحت و سقم آنها؛ مشکلات مالی و اداری در نحوه اداره سازمان که بعضاً بر خلاف قانون تأسیس و اساسنامه آن است. فقدان ضوابط روشن و عینی در صدور مجوز و پروانه کار، یکسان‌انگاری همه گرایش‌ها در صدور پروانه، فقدان نظارت بر مراکز و دفاتر موجود، ناتوانی در دفاع از جایگاه قانونی سازمان و مقابله با سایر نهادهای متولی صدور پروانه و مجوز، فقدان برنامه مشخص برای مقابله با مراکز غیر مجاز و افراد فاقد صلاحیت در حوزه روان‌درمانی و مشاوره، ناتوانی در تبیین و دفاع از حقوق متقابل درمانگران و مراجعان، ناتوانی در به ثمر رسیدن شمول بیمه برای خدمات روان‌شناسی و مشاوره، ناتوانی در نظارت بر حجم گستره کارگاه‌های آموزشی در حیطه روان‌درمانی و مشاوره و... است.

حال با توجه به نقدهای وارد بر سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره از یک‌سو و ناکامی روان‌شناسی ایران در دوره‌های پیشین این پرسش مطرح می‌شود که حاصل دو دهه غلبه درمانگری و عملگرایی در روان‌شناسی ایران چه بوده و آینده پیش رو چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به سوال فوق توأمان باید به جنبه‌های مثبت و منفی وضعیت روان‌شناسی و روان‌درمانی به‌عنوان ماحصل یک قرن رشد و توسعه روان‌شناسی در کشور پرداخت.

واقعیت آن است که روان‌شناسی ایران به‌رغم همه تلاش‌ها و افت و خیزها هنوز نه از حیث بنیادی و نظری نه از جهت عملی به مرتبه تولید علم و تکنیک در تراز جهانی نرسیده و این سخن قاسم زاده و حمیدپور (۱۳۸۹) که «به یک اعتبار روان‌شناسی ما هنوز به سطحی از تحول نرسیده که بتواند تاریخی برای خود بیافریند» به قوت خود باقی است. چرا که بیش از ۸۷٪ خیل عظیم دانشجویان فوق‌الذکر در دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی که متأسفانه اغلب واحدهای این مراکز در سطح نازلی از استانداردهای آموزشی، پژوهشی و درمانی قرار دارند تحصیل می‌کنند (میگنا، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷) از سوی دیگر وضعیت مراکز دولتی هم



در سطح عالی نیستند و وقتی نوبت به عرصه آموزش‌های بالینی و به ویژه سوپرویزن می‌رسد نواقص مهمی در کار این مراکز قابل رویت می‌باشد. از آن سو نیاز شدید جامعه و خیل مدرک‌بدستان و حتی افراد فاقد مدرک یا درای مدارک غیرمرتبط که متمایل به بهره‌برداری از این آشفته بازار هستند نوعی ابتدال بر فضای روان‌شناسی و روان‌درمانی کشور حاکم نموده است.

روزانه ده‌ها -به اصطلاح کارگاه- برای آموزش تکنیک‌های درمانی برگزار می‌شود بی‌آنکه صلاحیت مدرسان این کارگاه‌ها از طرف مرجعی صاحب صلاحیت مورد ارزیابی قرار گرفته باشد و صدها نفر راهی مراکز مختلف با عناوین فریبنده از انرژی‌درمانی گرفته تا فال‌بینی‌های مبتنی بر روان‌شناسی و... می‌شوند و بی‌آنکه کسی متعرض این شیادان و کلاهبرداران شود و شوربختانه در افکار عموم اینها همه به نام روان‌شناسی و روان‌درمانی و مشاوره ثبت می‌گردد. به‌طوریکه افراد دلسوز به فکر چاره‌جویی‌های مختلف افتاده‌اند از نوشتن مقاله و یادداشت‌های انتقادی از طرف کسانی چون پورشریفی، یعقوبی، صاحبی، حمیدپور، و... تا پی‌گیری در مجامع علمی، برنامه‌های خاص در فضای مجازی و...

اما روی دیگر این سکه مثبت است. از دهه هفتاد شمسی -شاید کمی قبل‌تر- به موازات گسترش کمی آموزش عالی گروهی از جوانان نخبه و علاقمند با انگیزه‌های مختلف به تحصیل در حیطه روان‌شناسی روی آوردند که اغلب تا امروز با عزمی راسخ موتور محرکه پیشرفت‌های روان‌شناسی ایران بوده‌اند. کوشش این نسل همان ظرفیتی را ایجاد نموده که در ابتدای این نوشتار به آن اشاره رفت.

اگر در دوره‌های قبل افرادی مثل صناعی، شاملو، مهریار، براهنی، قاسم زاده، زمانی، شکرکن، دادستان، منصور، نصف، کاردان و... تک‌ستاره‌هایی بودند که هر کدام چراغ روان‌شناسی را در حوزه یا زمینه‌ایی برافروخته و با سختی بسیار روشن نگه داشته بودند شاگردان جوان آنها در سه دهه گذشته که امروز خود مدرّسان، محققان و درمانگرانی کارآزموده شده‌اند به جرأت می‌توانند مدعی تسلط بر جدیدترین تئوری‌ها و تکنیک‌های روان‌شناسی و روان‌درمانی باشند. این پیشرفت مهمی برای روان‌شناسی و روان‌درمانی ایران است چرا که همواره عقب‌ماندگی روان‌شناسی و روان‌درمانی از حیث بازه‌های زمانی از دانش روز و اکتفا به کلیات و اجمال در نظریات و پکیج‌های درمانی نقیصه‌ای غیرقابل انکار بوده است. مخصوصاً در حوزه روان‌درمانی.

به عبارت دیگر اگر دیروز افرادی مثل شاملو^۱ (۱۳۸۳-۱۳۰۸) -بنیانگذار روان‌شناسی بالینی ایران- مهریار، قاسم زاده، دژکام استثناهایی بودند که تلاش به روز بودن در عرصه روش‌های درمان را وجهه همت خود قرار داده بودند در بین شاگردان وفادار این اساتید دسترسی به دانش روز و آخرین تکنیک‌های درمانی یک قاعده محسوب می‌شود. جالب‌تر آن است که این گروه نه صرفاً از طریق آموزش از اساتید خود به این مهم دست یافته‌اند بلکه عمدتاً با تلاش فردی بسیار و آزمون خطا این راه مهم را گشوده‌اند. بطوریکه در هر زمینه درمانی می‌توان از بین این گروه و مراکزی که دایر کرده‌اند موارد قابل اعتمادی را شناسایی کرد و این نبوده مگر به پیروی از روح زمان که همان غلبه درمانگری و عمل‌گرایی بر روان‌شناسی ایران است.

^۱ زنده یاد دکتر سعید شاملو (۱۳۰۸-۱۳۸۳) که امروزه بنیانگذار روان‌شناسی بالینی ایران به شما می‌رود به نوعی پدر معنوی رویکرد درمانی به روان‌شناسی ایران است. ایشان در ملایر به دنیا آمده پس از تحصیلات متوسطه راهی آمریکا گردید و در دانشگاه‌های جورج واشینگتن، دانشگاه ایالتی واشینگتن و دانشگاه ایلی نویز به گذراندن دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری روان‌شناسی بالینی مبادرت نمود. سال ۱۳۴۰ به ایران مراجعت نمود ابتدا در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) سپس از سال ۱۳۴۲ در دانشگاه تهران مشغول تدریس و تحقیق گردید. سال ۱۳۴۴ با همکاری دکتر هارطون داودیان مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران را ایجاد نمود در سال ۱۳۵۳ بر اثر اختلاف نظر و رقابت با دکتر مهرانگیز راسخ از وابستگی دربار بر سر مدیریت گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران مجبور به انتقال به دانشکده پزشکی (بیمارستان روزبه) گردید در آنجا با کمک ولی الله اخوت، نادر نوعپرست و حبیب الله قاسم زاده کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی را راه اندازی نمود. سال ۱۳۷۳ پس از بازنشستگی به دانشگاه علوم بهزیستی پیوست و با همکاری انستیتو روان‌پزشکی تهران نخستین دوره دکتری روان‌شناسی بالینی را پایه‌گذاری نمود. وی همچنین در تشکیل انجمن روان‌شناسی ایران و انتشار اولین کتب روان‌شناسی بالینی و بهداشت روانی پیش قدم بوده است.



لذا امید زیادی به همت این افراد وجود دارد تا در پرتو تحولاتی که به مرور از کنش و بره کنش‌های اجتماعی و فرهنگی حاصل خواهد شد سره از ناسره تفکیک گردیده راه رشد و توسعه روان‌شناسی ایران حداقل در حوزه درمان و مشاوره فراهم گردد.

منابع

- آبراهمیان، پرواند. (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب (فیروزمند، کاظم و همکاران، مترجم) چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- آشنایی اجمالی با دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۷۵). حوزه معاونت آموزشی .
- آشنایی با دانشگاه تربیت مدرس. (۱۳۷۰) [بروشور]
- آرانی، تقی. (۱۳۵۷). پسیکولوژی (علم روح). چاپ دوم، تهران: آبان.
- ایروانی، محود. (۱۳۷۴). طرح استراتژی توسعه دانشگاه تهران. [گزارش] چاپ نشده.
- برینگ، ادوین جی. (۱۳۷۴). تاریخ علم روان‌شناسی (سعید شاملو، مترجم). چاپ اول، تهران: رشد. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۵۰)
- بهرامی، غلامرضا؛ معنوی، عزالدین. (۱۳۷۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات چهار زبانه روان‌پزشکی: آنسکلویدی روان‌پزشکی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ثنائی، باقر؛ حقیقت جو، فاطمه. (۱۳۸۳). سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران: معمار روان‌شناسی و مشاوره کشور. تازه و پژوهشهای مشاوره، جلد ۳، شماره ۹ و ۱۰.
- دادستان، پریخ؛ منصور، محمود. (۱۳۷۱). ترجمه، روان‌شناسی بالینی (م. و. پرون). چاپ دوم، تهران: ژرف.
- دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۵/ آبان)، همایش تحول شناخت [بروشور]
- رضایی، انوشیروان. (۱۳۷۷). سیر تاریخی روان‌شناسی جدید در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی..
- رضایی، انوشیروان؛ زمانی، رضا. (۱۳۹۰). سیر تاریخی روان‌شناسی جدید در ایران. پژوهشهای روان‌شناختی، ش ۲۷، تابستان ۱۳۹۰.
- روءف، علی. (۱۳۷۶). راهنمای مؤسسات پژوهشی ایران و برخی از کشورهای جهان در قلمرو آموزش و پرورش و حوزه های وابسته. واحد انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ریتا، ال اتکینسون و همکاران. (۱۳۶۶). زمینه روان‌شناسی. (براهنی و همکاران، مترجم). تهران: رشد. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۳)
- ریتا، ال اتکینسون و همکاران. (۱۳۸۴). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. (براهنی و همکاران، مترجم). تهران: رشد. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۰).
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۶). ما چگونه ما شدیم: ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران. چاپ سوم، تهران: روزنه .
- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۵۵). گذشته روان‌شناسی در ایران و آینده آن. مجله روان‌شناسی، شماره‌های ۱۴ و ۱۵، سال پنجم، صص ۱۱۲-۱۰۳.
- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۸۷). گزارش یک زندگی. چاپ دوم، تهران: اختران.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۷۰). تاریخ روان‌شناسی نوین (علی اکبر سیف، و همکاران، مترجم). چاپ اول، تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۷).
- صاحب الزمانی، ناصرالدین. (۱۳۷۱). راز کرشمه‌ها. چاپ پنجم، تهران: عطائی.



کرامر، جفری پ؛ برنستاین، داگلاس آ؛ فیروز، ویکی. (۱۳۸۸). روان‌شناسی بالینی (مهدی گنجی، مترجم). چاپ اول، تهران: ساوالان. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۹).

فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. چاپ اول، تهران: رسا

مجبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۰). تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزشی ایران در عصر... I. پهلوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مجله روان‌شناسی. (ارگان انجمن ایرانی روان‌شناسی). شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶.

مجله روان‌شناسی، شماره اول، آذر ۱۳۴۹.

محرری، محمدرضا. (۱۳۷۳). نگاهی به تاریخ روان‌پزشکی و تاریخچه روان‌پزشکی در ایران. اندیشه و رفتار، ش ۳ و ۲

نجاتی، محمد عثمان. (۱۳۸۵). علم‌النفوس. روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان. (بهشتی، سعید. مترجم) چاپ اول، تهران: رشد.

یعقوبی، حمید (مجری) و همکاران. (۱۳۸۸). طرح ممیزی رشته روان‌شناسی. انجمن روان‌شناسی ایران؛ گروه علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ارائه شده به معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.

Hergenhahn, B. R. (2009). An introduction to the history of psychology (6th ed.). Belmont, CA: Wadsworth.

Plante, G. Thomas. (2005). Contemporary clinical psychology (2nd ed.). New York: John Wiley & Sons.

<http://www.irancpa.com>

<http://www.iranpa.org>

<http://www.nahata.mihanblog.com>

<http://www.sbu.ac.ir>

<http://www.toloehandishe.blogfa.com>